



Studies on Understanding Hadith

P-ISSN: 2588-3895

E-ISSN: 2588-4417



DOI: 10.30479/mfh.2026.22466.2499

Educational Analysis of the Criteria for Friendship in Nahj al-Balāgha, Hikmah 38 With Emphasis on the Role of Parents in the Social Guidance of Children

Sediqeh Abyar¹

Hadi Zeini Malekabad^{2*}

Seyyed Mohammad Hossein Mousavi³

Abstract

The present study aims to explain the role of parents in the social upbringing of children from the perspective of the teachings of Imam ‘Alī (pbuh). To this end, it provides an educational analysis of Hikmah 38 of Nahj al-Balāgha. In this Hikmah, Imam ‘Alī (pbuh), with a forward-looking and criterion-based approach, identifies four groups of individuals from whom one should refrain from companionship: the fool, the miser, the immoral person, and the liar. This classification is not only an ethical warning but also a strategic roadmap for parents in guiding the social development of their children. The research employs a qualitative and analytical method, drawing on exegetical, hadith-based, and social-psychological sources. Each criterion is examined in terms of its educational and cognitive dimensions, and its application in parenting styles is articulated. The findings show that Imam ‘Alī (pbuh), instead of naming specific individuals, introduces a set of dangerous character traits and, through this approach, teaches parents to instill in their children “the criteria for recognizing healthy friendships,” rather than merely warning them against particular people. The study further demonstrates that these criteria align with findings in educational and social psychology, showing that standards such as self-regulation, awareness of behavioral consequences, trust-building, and emotional coherence play essential roles in selecting friends. The main innovation of the research is the articulation of this religious teaching in the form of an educational model applicable within family and school settings—one that emphasizes cultivating moral discernment in children rather than relying on external control.

Keywords

Imam ‘Alī (pbuh), Hikmah 38 of Nahj al-Balāgha, social upbringing of children, friendship-selection criteria.

Article Type: Research

1. Master’s Degree Graduate of Nahjal-Balagha, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran. Email: s1997abiyar@gmail.com

2. Responsible Author, Assistant Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran. Email: zeini@theo.usb.ac.ir

3. Assistant Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran. Email: drmoosavi@theo.usb.ac.ir

Received on: 03/08/2025

Accepted on: 18/11/2025

Copyright © 2026, Abyar, Zeini Malekabad & Mousavi



Publisher: Imam Khomeini International University.



تلفن: ۰۲۱-۲۸۹۵-۲۵۸۸
شماره: ۰۲۱-۲۸۹۵-۲۵۸۸

مطالعات فقه حدیث



DOI: 10.30479/mfh.2026.22466.2499

تحلیل تربیتی معیارهای دوستی در حکمت ۳۸ نهج البلاغه با تأکید بر نقش والدین در هدایت اجتماعی فرزندان

صدیقه آبیاری^۱
هادی زینی ملک آباد^۲
سید محمد حسین موسوی^۳

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تبیین نقش والدین در تربیت اجتماعی فرزندان از منظر آموزه‌های علوی، به تحلیل تربیتی حکمت ۳۸ نهج البلاغه پرداخته است. در این حکمت، امام علی (ع) با نگاهی پیشرو و معیار محور، چهار گروه از افراد را برای پرهیز از معاشرت بر می‌شمارد: احمق، بخیل، فاجر و دروغ‌گو. این تقسیم‌بندی، نه تنها هشدار اخلاقی، بلکه نقشه‌ای راهبردی برای والدین در زمینه هدایت اجتماعی فرزندان به‌شمار می‌رود. روش پژوهش کیفی و تحلیلی بوده و با استفاده از منابع تفسیری، حدیثی و روان‌شناسی اجتماعی، تلاش شده است هر معیار از حیث تربیتی و شناختی بررسی و کاربرد آن در سبک فرزندپروری تبیین شود. یافته‌ها نشان می‌دهد که امام علی (ع) به جای معرفی مصادیق مشخص، مجموعه‌ای از ویژگی‌های خطرناک را معرفی می‌کند و از این رهگذر، به والدین می‌آموزد که به فرزندان خود «معیارهای تشخیص دوستی سالم» را بیاموزند، نه آن‌که صرفاً از افراد خاصی بر حذر دارند. پژوهش همچنین نشان می‌دهد که این معیارها، با یافته‌های روان‌شناسی تربیتی و اجتماعی هم‌خوانی دارد و ملاک‌هایی چون خودتنظیمی، شناخت پیامد رفتار، اعتمادسازی و انسجام هیجانی، در انتخاب دوست نقشی اساسی دارد. نوآوری اصلی پژوهش، تبیین این گزاره دینی در قالب مدل تربیتی قابل پیاده‌سازی در محیط خانواده و مدرسه است که به جای کنترل بیرونی، بر پرورش قدرت تشخیص اخلاقی در فرزندان تأکید دارد.

کلیدواژه‌ها

امام علی (ع)، حکمت ۳۸ نهج البلاغه، تربیت اجتماعی فرزند، معیارهای دوست‌گزینی.

نوع مقاله: پژوهشی

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد نهج البلاغه، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران. s1997abiyar@gmail.com
۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران (نویسنده مسئول). zeini@theo.usb.ac.ir
۳. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران. drmoosavi@theo.usb.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۲۷



ناشر: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

۱. طرح مسأله

روابط دوستانه یکی از مؤثرترین عوامل در شکل‌گیری شخصیت، نگرش‌ها و الگوهای رفتاری انسان، به‌ویژه در دوران کودکی و نوجوانی است. نوجوانان در این مرحله با دگرگونی‌های شناختی، هیجانی و اجتماعی روبه‌رو می‌شوند و در نتیجه، تأثیرپذیری آنان از همسالان و گروه دوستان، به مراتب بیش از سایر دوره‌های زندگی خواهد بود. روان‌شناسان اجتماعی معتقدند که در دوره نوجوانی، تأثیر دوستان بر فرآیند شکل‌گیری ارزش‌ها و هویت فردی بسیار قابل توجه است و در بسیاری موارد از تأثیر والدین نیز بالاتر می‌رود (Giletta, 2021, 719-747). این مسأله نشان‌دهنده اهمیت روابط دوستانه در فرآیند اجتماعی‌سازی نوجوانان و نقش آن‌ها در تعیین نگرش‌ها و رفتارهای فرد است که نقش آن‌ها در شکل‌گیری هویت بیش از خانواده ذکر شده است.

دین اسلام که مبتنی بر فطرت و شناخت تمامی ابعاد زندگی انسان است، می‌تواند برای دوره‌های مختلف حیات انسان و همچنین مؤلفه‌های مختلف تربیتی، راهکار مناسب ارائه دهد و یا مبانی روشنی را بیان کند که راه را برای کاربست روش‌های تربیتی فراهم سازد. بنابراین اهمیت این مسئله در آموزه‌های دینی نیز بازتاب یافته است. قرآن کریم در تحلیل پیامدهای روابط اجتماعی ناصحیح، حسرت سنگینی را برای کسانی ترسیم می‌کند که در دنیا به دلیل انتخاب نادرست دوست، گرفتار انحراف شده‌اند: «يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا» (الفرقان: ۲۸)؛ یعنی ای وای بر من، کاش فلان شخص را دوست نمی‌گرفتم! در نهج البلاغه نیز امام علی (ع) در یکی از دقیق‌ترین و کاربردی‌ترین توصیه‌های تربیتی خود، معیارهایی برای پرهیز از دوستی با افراد ناصالح بیان می‌فرماید: «لَا تُصَاحِبِ الْأَحْمَقَ فَإِنَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَنْفَعَكَ فَيُضِرُّكَ، وَلَا الْبَخِيلَ فَإِنَّهُ يَقْطَعُ عَنْكَ أَحْوَجَ مَا تَكُونُ إِلَيْهِ، وَلَا الْفَاحِرَ فَإِنَّهُ يَبِيعُكَ بِالتَّافِهِ، وَلَا الْكَذَّابَ فَإِنَّهُ كَالسَّرَابِ يَقْرُبُ عَلَيْكَ الْبُعِيدَ وَيُبْعِدُ عَلَيْكَ الْقَرِيبَ» (سیدرضی، ۱۴۱۴ق، ۴۷۶). این بیان حکیمانه، نه تنها ناظر به شخصیت‌شناسی اخلاقی است، بلکه الگویی عملی برای والدین در آموزش انتخاب دوست به فرزندان محسوب می‌شود.

با وجود تأکید دین بر دقت در انتخاب دوست، تحولات اجتماعی معاصر همچون گسترش ارتباطات مجازی، تنوع هویت‌ها و کاهش مرجعیت خانواده، فرآیند دوست‌یابی نوجوانان را با چالش‌های تازه‌ای مواجه ساخته است. والدین که باید نخستین هدایت‌گران تربیتی فرزندان باشند، در بسیاری موارد یا به دلیل فشارهای اقتصادی و روانی، یا به سبب ناآگاهی از مبانی دینی و تربیتی، از ایفای نقش مؤثر در هدایت اجتماعی فرزندان

باز می‌مانند. در مواردی دیگر، افراط در کنترل یا اعطای آزادی‌های بی‌ضابطه، خود منجر به شکل‌گیری دوستی‌های آسیب‌زا می‌گردد. این وضعیت، ضرورت بازخوانی و کاربردی‌سازی معیارهای اصیل دینی را در انتخاب دوست برای فرزندان آشکار می‌سازد. در این میان، حکمت ۳۸ نهج البلاغه با تکیه بر زبان نمادین و معیارمحور، الگویی منسجم برای آموزش انتخاب اجتماعی فرزندان ارائه می‌دهد؛ الگویی که برخلاف روش‌های سنتی مبتنی بر تحکم یا معرفی مصادیق خاص، بر پرورش قدرت تشخیص اخلاقی و ارزشی کودک تأکید دارد. در کافی نیز در باب «بَابُ مَنْ تُكْرَهُ مُجَالَسَتُهُ وَ مُرَافَقَتُهُ» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۴: ۶۸۸) به گونه‌ای مشابه از مجالست و همنشینی با برخی از گروه‌ها و افراد منع شده است؛ اما پژوهش پیش رو برای تمرکز بیشتر، حکمت ۳۸ نهج البلاغه را انتخاب نموده است البته این که ویژگی‌های مشترک این حکمت با بسیاری از روایات نیز وجود داشته، بی‌تأثیر در انتخاب موضوع نبوده است.

نوع‌شناسی گزاره‌های تربیتی در احادیث، استعداد آن‌ها برای قرار گرفتن در جایگاه متفاوت کاربردی را مشخص می‌کند (قصوری درگاهی و همکاران، ۱۴۰۲ش، ۲۵۵) و رویکرد بین رشته‌ای به این نوع‌شناسی کمک می‌کند. پژوهش حاضر نیز در پی آن است که با تحلیل تربیتی این حکمت نورانی و تطبیق آن با یافته‌های روان‌شناسی اجتماعی، زمینه‌ی ارائه الگویی عملی برای والدین در فرآیند هدایت روابط دوستانه فرزندان فراهم آورد. بر این اساس سؤالات اصلی پژوهش به قرار زیر است:

- ۱- معیارهای انتخاب دوست در حکمت ۳۸ نهج البلاغه چیست؟
 - ۲- والدین با چه روش‌هایی می‌توانند این معیارها را به فرزندان منتقل کنند؟
 - ۳- کدام سبک تربیتی والدین، بیشترین اثر را در هدایت دوست‌یابی صحیح دارد؟
- در خصوص پیشینه‌ی نظری، ادبیات نظری تربیت اجتماعی از دورویکرد کلان تشکیل شده است: روان‌شناسی تربیتی و منابع دینی-اخلاقی.

در روان‌شناسی تربیتی، بامریند سه سبک فرزندپروری را معرفی کرده است:

۱. مستبدانه (کنترل زیاد و محبت کم)، ۲. سهل‌گیرانه (کنترل اندک و محبت زیاد)، ۳. مقتدرانه (کنترل همراه با محبت و نظارت منطقی). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که سبک مقتدرانه بهترین زمینه را برای رشد مهارت‌های اجتماعی و تصمیم‌گیری آگاهانه فراهم می‌کند (Baumrind, 1966, 887-907). در منابع دینی، نهج البلاغه و روایات، معصومان (ع) معیارهای مشخصی برای انتخاب دوست ارائه کرده‌اند. امام علی (ع) در کلمه قصار ۳۸، چهار گروه را از دایره‌ی دوستی خارج می‌داند: احمق، بخیل، فاجر و دروغگو.

این معیارها بیانگر آن است که دوستی با چنین افرادی سلامت اخلاقی و اجتماعی فرد را تهدید می‌کند. در خانواده‌ی مقتدر که ترکیبی از محبت و کنترل منطقی را به کار می‌گیرد، بهترین بستر برای تربیت اجتماعی سالم فرزندان است. در مورد پیشینه تجربی پژوهش‌های داخلی و خارجی متعددی اهمیت روابط دوستانه و نقش والدین را بررسی کرده‌اند به عنوان نمونه مطهری (۱۳۷۸ ش، ۵۶) در کتاب خود به اثرگذاری مستقیم دوستان بر ارزش‌ها و نگرش‌های فردی پرداخته و هشدار داده است که دوست ناباب می‌تواند زمینه‌ساز انحراف‌های اخلاقی و اجتماعی شود. برخی از تحقیقات بالینی مانند مقاله «تاثیر نوع دوست بر روان و رفتار افراد» از آزاده وحیدی (۱۴۰۳ ش) و در سطح بین‌المللی (Hartu, 1993; Frankel & Myatt, 2003) دریافته‌اند که کیفیت روابط دوستانه در دوران کودکی و نوجوانی، سلامت روانی و موفقیت‌های تحصیلی و شغلی آینده فرد را پیش‌بینی می‌کند. با وجود این یافته‌ها، تاکنون کمتر پژوهشی به تحلیل آموزه‌های نهج‌البلاغه در زمینه معیارهای دوست‌یابی و نقش والدین در عملیاتی کردن این معیارها پرداخته است. به خصوص اثری مستقلاً در مورد واکاوی و تبیین کلمه قصار ۳۸ نهج‌البلاغه انجام نشده است. این موضوع به تاثیر دوست در نوع تربیت فرزندان و ارائه معیارهای دوست‌یابی برای فرزندان و تاثیر آن در تربیت می‌پردازد. مدل مفهومی پژوهش بر اساس مدل مفهومی تلفیقی طراحی شده است:

۱. آموزه‌های امام علی (ع) در جمله قصار ۳۸ نهج‌البلاغه به عنوان چارچوب اصلی معیارهای انتخاب دوست.

۲. سبک‌های فرزندپروری بامریند به عنوان چارچوب تبیین نقش والدین در انتقال این معیارها.

بر این اساس، فرض اصلی پژوهش آن است که والدینی که سبک مقتدرانه را در تربیت به کار می‌گیرند، بیشترین توانایی را در هدایت فرزندان به انتخاب دوست شایسته دارند.

۲. مبانی نظری و چارچوب مفهومی

قبل از تحلیل معیارهای ۴ گانه حکمت ۳۸ و در نهایت تحلیل آن، مبانی نظری پژوهش برای درک بهتر موضوع بیان می‌شود.

۲-۱. مفهوم تربیت در قرآن و روایات

«تربیت» در لغت به معنای پرورش تدریجی و رشد دادن است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۱۴: ۳۰۷). و در مورد فرزند به گونه‌ای است که فرزند با خروج از ضعف، از طفولیت خارج شود

و به کمال دست یابد (صاحب‌بن‌عباد، ۱۴۱۴ق، ۲: ۳۳۵). در قرآن کریم، تربیت، هم‌زمان ناظر به بعد جسمانی، روحی، عقلانی و معنوی انسان است. هدف نهایی تربیت اسلامی، رساندن انسان به مقام عبودیت آگاهانه و حیات طیبه است. این هدف در قرآن کریم تصریح شده و بر اهمیت بندگی آگاهانه و زندگی معنوی تأکید دارد. خداوند در آیه ۵۳ سوره فرقان می‌فرماید: «وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا». که نشان می‌دهد یکی از ویژگی‌های بندگان رحمان، راه رفتن با آرامش و گفتگوی سالم است، که نمادی از عبودیت آگاهانه و روح معنوی است. همچنین، در آیه ۲۳ سوره عنکبوت آمده است: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً»، که بیانگر این است هدف نهایی، رسیدن به حیات طیبه است؛ حیات سرشار از معنویت و رضایت خداوند، که در گرو ایمان و عمل صالح است. بنابراین، تربیتی هدفمند است که انسان را به مقام عبودیت آگاهانه برساند و در مسیر حیات طیبه قرار دهد، همان‌گونه که در قرآن کریم آمده است و راهنمای مسیر انسان در سیر الی الله است. آیه «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا» (التحریم: ۶) نشان می‌دهد که والدین در برابر سرنوشت اخلاقی و اجتماعی فرزندان مسئول هستند.^۱

در روایات اهل بیت (ع) نیز تربیت صحیح فرزندان با تأکید بر محبت، نظارت، آموزش و الگودهی توصیه شده است. امام علی (ع) در نهج البلاغه می‌فرماید: «إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدِثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ، مَا أُلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ» (سیدرضی، ۱۴۱۴ق، ۳۹۴) بنابراین آنچه که از واژه تربیت می‌توان استنباط کرد این است که تربیت، ایجاد کردن و فعلیت بخشیدن هر نوع کمالی در انسان است که مطلوبیت و ارزش داشته باشد. اولین قوی‌ترین عامل شکل دهی شخصیت افراد که بر فرد و رفتارشان آثار عمیق و پایداری می‌گذارد، خانواده است (حسینی و حیدری، ۱۴۰۰، ۳۲).

۳. نقش خانواده در تربیت اجتماعی از منظر روان‌شناسی اجتماعی

خانواده نخستین و اساسی‌ترین نهاد اجتماعی است که در آن کودک الگوهای ارتباطی، نظم اجتماعی، مهارت‌های گفت‌وگو و سازگاری اجتماعی را می‌آموزد. بر اساس نظریه‌های روان‌شناسی اجتماعی، سبک فرزندپروری والدین اثر مستقیمی بر مهارت‌های اجتماعی و روابط همسالان فرزندان دارد (Rubin, Bukowski & Parker, 2006). دیانا بامریند (Baumrind, 1991) سبک‌های فرزندپروری را به سه دسته تقسیم کرده است:

۱. برای آگاهی کامل در خصوص تحلیل این آیه به پایان‌نامه با عنوان «تحلیل تربیتی آیه «قوا انفسکم و اهلیکم ناراً»» مراجعه کنید (قادری، ۱۴۰۴ش).

مستبدانه یعنی اقتدار بدون محبت که منجر به پرخاشگری یا اطاعت سطحی است؛ سهل گیرانه یعنی محبت بدون نظارت که منجر به سردرگمی و ضعف تصمیم گیری است؛ اما مقتدرانه؛ یعنی ترکیب محبت و کنترل منطقی؛ این سبک بالاترین میزان سلامت اجتماعی و روانی را در نوجوانان به همراه دارد. مطالعات تجربی نشان داده اند که فرزندان والدین مقتدر، در دوستیابی، مسئولیت پذیری و حل تعارض موفق تر هستند و به خود تنظیمی دست می یابند (Baumrind, 1991; Spinrad, T. L., & Eisenberg, 2024). البته به تأکید بامریند تربیت مقتدرانه شرط لازم است، اما کافی نیست (Baumrind, 1991)، با این وجود آنچه به سبک فرزندپروری بر می گردد. سبک مقتدرانه را بر سایر سبک ها ترجیح می دهد.

۴. تأثیر روابط دوستی بر رشد اجتماعی نوجوانان

در دوران کودکی و نوجوانی، دوستان نقش کلیدی در انتقال ارزش ها و هویت فردی ایفا می کنند. پژوهش های اجتماعی حاکی از آن اند که کیفیت روابط دوستانه، یکی از پیش بینی کننده های اصلی موفقیت اجتماعی، تحصیلی و روانی در بزرگسالی است (Hartup, 1996; Frankel & Myatt, 2003).

دوستی سالم، تقویت همدلی، خودتنظیمی و انتخاب آگاهانه را در پی دارد؛ در حالی که دوستی با افراد ناسالم، زمینه ساز انواع آسیب های روان شناختی و اجتماعی است. در پژوهش (Frankel & Myatt, 2003)، مشخص شد کودکانی که معیارهای مشخص تری برای دوستی دارند، کمتر دچار اضطراب اجتماعی و انزوای رفتاری می شوند.

۵. معیارهای دینی در انتخاب دوست (تحلیل نهج البلاغه، حکمت ۳۸)

در آموزه های اسلامی، به ویژه در نهج البلاغه، امام علی (ع) با ذکر مصادیق چهارگانه ای از افراد نامطلوب، شاخص هایی روشن برای انتخاب دوست ارائه داده اند: «لَا تُصَاحِبِ الْأَحْمَقَ ... وَلَا الْبَخِيلَ ... وَلَا الْفَاجِرَ ... وَلَا الْكَذَّابَ» (سیدرضی، ۱۴۱۴ق، ۴۷۶)؛ احمق، فاقد عقل عملی، آسیب زا حتی با نیت خیر؛ بخیل، در لحظات نیاز، از کمک دریغ می کند و مانع رشد روحیه ایشار می شود؛ فاجر، بی اخلاقی در گفتار و رفتار، عامل گمراهی تدریجی؛ کذاب، تحریف واقعیت و ایجاد فضای روانی ناسالم.

این معیارها با آنچه در روان شناسی اجتماعی درباره همسالان پرریسک آمده هم خوانی دارند. افراد فریبنده، بی ثبات یا خودمحور، اثرات بلندمدت منفی بر ساختار شناختی و اخلاقی کودک دارند (Rubin et al, 2006).

۶. نقش والدین در انتقال معیارهای دوست‌یابی

والدین نه تنها مسئول مراقبت فیزیکی، بلکه مسئول تربیت ارزشی فرزندان هستند. آنان می‌توانند با بهره‌گیری از سبک مقتدرانه، ارزش‌ها و معیارهای دینی دوست‌یابی را منتقل کنند. این انتقال از طریق گفت‌وگوی آزاد، الگودهی، هدایت غیرمستقیم، نظارت عاطفی و مدیریت فضای دوستی صورت می‌گیرد (Spinrad, et al, 2024).

در مقابل، سبک‌های افراطی (سهل‌گیرانه یا مستبدانه) اغلب موجب می‌شوند فرزندان در انتخاب دوست یا منفعل شوند یا در برابر نظارت والدین مقاومت کنند (Baumrind, 1991)^۱. بر اساس آنچه بیان شد، مدل مفهومی پژوهش تلفیقی است از معیارهای دینی انتخاب دوست (سیدرضی، ۱۴۱۴ق، ۴۷۶)، و نقش سبک‌های فرزندپروری در انتقال این معیارها. نتیجه آن‌که سبک مقتدرانه، بیشترین ظرفیت را برای انتقال موفق معیارهای دوست‌یابی سالم به فرزندان دارد.

۷. تحلیل چهار معیار حکمت ۳۸ برای انتخاب دوست

۷-۱. معیار نخست: پرهیز از دوستی با احمق «لَا تُصَاحِبِ الْأَحْمَقَ، فَإِنَّهُ يُرِيدُ أَنْ يُنْفَعَكَ فَيُضِرَّكَ» (سیدرضی، ۱۴۱۴ق، ۴۷۶)

۷-۱-۱. تبیین زبانی و معرفتی روایت

امام علی (ع) در این گزاره‌ی هشدارآمیز، با گزینش واژه‌های دقیق و تصویری، یکی از مخاطره‌آمیزترین گونه‌های روابط انسانی را آشکار می‌سازند: «احمق خیرخواه». این عبارت نوعی پارادوکس معرفتی را نشان می‌دهد؛ کسی که قصد نیکی دارد، اما از آن‌جا که فاقد عقل، درایت و قدرت تحلیل پیامدهای عمل خود است، به جای خیر، شرّ تولید می‌کند. واژه «أَحْمَق» در متون لغوی عرب، ناظر بر شخصی است که رفتارهای بی‌پشتوانه عقلی دارد و از فقدان قدرت بازدارندگی ذهنی در برابر هیجان یا جهالت رنج می‌برد، خلیل‌بن‌احمد ضمن استناد به بیت شعری چنین مفهومی از یک فرد احمق تصویر می‌کند (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ۵۷)؛ ابن‌منظور نیز با برابر دانستن حماقت با نبود عقل، رفتارهای غیرعقلانه فرد را حماقت‌آمیز دانسته است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ۱۰: ۶۷)؛ در قرآن کریم، رفتارهای این‌گونه افراد با تعبیری چون «السُّفَهَاء» (البقره: ۱۳)، «لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَ لَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَ لَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ» (الاعراف: ۱۷۹)؛ یعنی عدم تعقل و تفقه پسان حیوانات، و «أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ

۱. تجربه نزدیک ده ساله نگارنده در برگزاری کارگاه‌های دانش‌افزایی با بانوان خانه‌دار نیز مؤید این مطلب است.

أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا» (الفرقان: ۴۴)؛ یعنی گمراه‌تر از حیوانات توصیف شده‌اند. در حکمت ۳۹ نهج البلاغه آمده است: «لِسَانُ الْعَاقِلِ وَرَاءَ قَلْبِهِ وَقَلْبُ الْأَحْمَقِ وَرَاءَ لِسَانِهِ»، سیدرضی می‌گوید: این یکی از معانی عجیب و شریف است و مراد از آن این است که فرد عاقل زبانش را تنها پس از مشورت با اندیشه و تفکر و تدبیر باز می‌کند، در حالی که نادان پیش‌تر از آن‌که فکر و اندیشه را بررسی کند، زبان خود را به کار می‌گیرد، و گفتارش ناپخته و بی‌فکر است (سیدرضی، ۱۴۱۴ق، ۴۷۶). در روایات فراوان نیز از مصاحبت و مشورت انسان احمق حذر شده است. برای جلوگیری از اطناب در این جا، روایات متعددی با تبیین در پیام امیرالمؤمنان (ع) آمده است (نک: مکارم‌شیرازی، ۱۳۹۰ش، ۱۴: ۴۳۳).

۷-۱-۲. تحلیل روان‌شناختی: احمق در چارچوب آسیب‌شناسی شناختی و اجتماعی

در روان‌شناسی اجتماعی و رشد کودک، مفهوم «نقص در مهارت‌های شناختی-اجتماعی»^۱ به افرادی اطلاق می‌شود که توان درک موقعیت، پیش‌بینی عواقب رفتار، همدلی و تصمیم‌گیری اخلاقی را ندارند (Spinrad et al, 2024, 129-135). این افراد با نیت‌های گاه صادقانه، اما فاقد بلوغ رفتاری، می‌توانند خطرناک‌ترین عامل برای شکل‌گیری عادت‌های ناسالم در فرزندان باشند.

به‌ویژه در سنین نوجوانی، که افراد بیش از پیش تحت‌تأثیر شبکه همسالان قرار می‌گیرند، دوستی با افرادی که فاقد قدرت قضاوت و مدیریت هیجانی هستند، منجر به تضعیف رفتارهای سنجیده، انتخاب‌های سطحی و ورود به موقعیت‌های پرریسک خواهد شد (Rubin et al, 2006, 602). مطالعات متعددی نشان داده‌اند که احساس تعلق اجتماعی بدون همراهی با شناخت اخلاقی، منجر به پیروی کورکورانه، وابستگی هیجانی ناسالم و تقلید آسیب‌زا می‌شود (Hartup, 1996, 7-8).

۷-۱-۳. رابطه معیار «پرهیز از احمق» با سبک‌های فرزندپروری

در نظریه مشهور دیانا بامریند (Baumrind, 1991) که سه سبک اصلی فرزندپروری معرفی شده بود. از میان آن‌ها، تنها سبک مقتدرانه که ترکیبی از محبت و انضباط منطقی است، توانایی تربیت فرزندان دارای تفکر انتقادی، اعتماد به نفس و قدرت ارزیابی روابط را دارد. در این سبک، والدین به نوجوان یاد می‌دهند که در ارتباطات انسانی، فقط نیت خوب کافی نیست، بلکه «درک پیامد» و «توان تشخیص» نیز ملاک‌اند.

برای مثال، فرزندی که توسط والدین سهل گیر یا مستبد تربیت شده باشد، معمولاً یا به شدت ساده باور است یا دچار سوءظن بیمارگونه. اما سبک مقتدرانه به او امکان می دهد که روابط خود را از منظر عقلانیت، مسئولیت پذیری و آینده نگری ارزیابی کند.

۷-۱-۴. راهکارهای تربیتی - کاربردی برای والدین

برای پیاده سازی معیار پرهیز از فرد احمق در تربیت عملی، پیشنهادهای زیر مؤثر خواهد بود:
الگودهی رفتاری: والدین در معاشرت های خود، از روابط ناسالم پرهیز کرده و درباره ی دلایل آن با فرزندان گفت و گو کنند.

تمرین موقعیت های خیالی: در بازی های نقش آفرینی^۱، موقعیت هایی طراحی شود که فرزند بیاموزد «چگونه تشخیص دهد» طرف مقابل فقط نیت خیر دارد یا واقعاً قدرت کمک مؤثر را دارد.

تحلیل پیامدهای دوستی: گفت و گو درباره تجربه های شخصی (موفق یا ناکام) از دوستی با افراد ناپخته، باعث درونی سازی تدریجی مفهوم «ضرر ناآگاهانه» می شود. بازنمایی تصویری روایت: استفاده از روایت امام علی (ع) در حکمت ۳۸ به صورت نمایش تصویری یا بازنویسی داستانی برای نوجوانان. رویکردی که در شیوه برخی از محدثان در قرون اولیه اسلام برای نقل احادیث فقهی در قالب داستان کوتاه دیده می شود (حسینی و همکاران، ۱۴۰۱ ش، ۲۸۱-۲۵۹).

بنابراین پرهیز از دوستی با احمق، به معنای طرد افراد ناآگاه نیست، بلکه دعوت به آگاهی در انتخاب دوست است. این گزاره نه تنها بر اخلاق دوستی تأکید دارد، بلکه از منظر روان شناسی شناختی نیز نشان می دهد که عقلانیت در روابط، اولویت بر نیت دارد. در نتیجه، والدینی که این معیار را در تربیت عاطفی و اجتماعی فرزندان لحاظ می کنند، فرزندان خود را برای مواجهه هوشمندانه با روابط پیچیده انسانی در آینده آماده می سازند.

۷-۲. معیار دوم: پرهیز از دوستی با بخیل «وَلَا الْبَخِيلَ، فَإِنَّهُ يَبْعُدُ عَنْكَ أَخْوَجَ مَا تَكُونُ إِلَيْهِ» (سیدرضی، ۱۴۱۴ق، ۴۷۶)

۷-۲-۱. تبیین مفهومی روایت

در این فراز، امام علی (ع) به نکته ای ظریفی در روابط انسانی اشاره می کنند که ممکن است در نگاه اول کمتر به چشم آید، یعنی بخل در لحظه نیاز. از دیدگاه امیرالمؤمنین (ع)، دوستی

با انسان بخیل تنها به معنای فقدان کمک مالی نیست، بلکه فقدان حضور عاطفی، حمایتی و انسانی در «زمان بحرانی» است؛ جایی که فرد، بیش از همیشه، نیازمند یاری و وفاداری است. واژه «بخیل» در منابع لغوی، به معنای فردی است که از دادن آنچه دارد - اعم از مال، محبت، وقت، یا حمایت - خودداری می‌کند، یا به اصلاح گرم ندارد، ابن منظور که برای تبیین واژگان از قاعده «تعرف الأشياء بأضدادها» بهره برده، بخل را ضد کرم دانسته است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۱۱: ۴۷).

این نوع خساست، نه تنها عملی منفور، بلکه نشان‌دهنده افقی محدود از انسان‌دوستی است. یکی از نشانه‌های انسان پرهیزگار در قرآن، انفاق‌کننده‌ی [به هم‌نوعان] است (البقره: ۳) و در جای دیگر انسان‌های متظاهر با عبارت «الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ ... وَ يَقِيضُونَ آيَاتِهِمْ»؛ یعنی مردان و زنان منافق و دو چهره دست‌های خود را [از انفاق] فرو می‌بندند، معرفی شده‌اند (التوبه: ۶۷) و بخل به عنوان مانعی در مسیر تکامل انسانی و اجتماعی معرفی شده است (اللیل: ۸-۱۱). شاید از همین روست که طریحی در تبیین لغوی به استناد روایتی که بخشی از آن «... فَإِنَّ الْجَوَادَ الَّذِي يُوَدِّي مَا أَفْتَرَضَ ... وَ الْبَخِيلُ الَّذِي يَخْلُ بِمَا أَفْتَرَضَ عَلَيْهِ» است، در تبیین واژه بخیل، فرد بخیل را کسی می‌داند که از یک وظیفه و تکلیف انسانی [یعنی انفاق] خودداری می‌کند (طریحی، ۱۳۷۵ش، ۳: ۲۹)؛ در روایات اسلامی، بخل نه تنها مورد نکوهش قرار گرفته، بلکه به عنوان یکی از موانع تحقق جامعه اسلامی معرفی شده است. حضرت امیرمؤمنان (ع) می‌فرماید: «الْبُخْلُ عَارٌ وَ الْجُبْنُ مُنْقَصَةٌ وَ الْفَقْرُ يُخْرِسُ الْفُطْنَ عَنْ حَاجَتِهِ حُجَّتِهِ وَ الْمَقِيلُ غَرِيبٌ فِي بَلَدَتِهِ» (سیدرضی، ۱۴۱۴ق، ۴۷۰)؛ یعنی بخل ننگ است و ... در روایتی دیگر نیز از امام صادق (ع) بخل ورزیدن نسبت به دیگران با وجود توانگری به شدت تقبیح شده است: «أَيُّمَا مُؤْمِنٍ كَانَتْ لَهُ دَارٌ فَاحْتَاجَ مُؤْمِنٌ إِلَى سُكْنَاهَا فَمَنَعَهُ إِيَّاهَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مَلَأْتُكَ بِبَخْلٍ عَبْدِي عَلَى عَبْدِي بِسُكْنَى الدُّنْيَا وَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي لَا يَسْكُنُ جَنَانِي أَبَدًا» (برقی، ۱۳۷۱ش، ۱: ۱۰۲)، یا روایت «حُسْنُ الْبَشْرِ يَكْسِبَانِ الْمَحَبَّةَ، وَ يُدْخِلَانِ الْجَنَّةَ؛ وَ الْبُخْلُ وَ عُبُوسُ الْوَجْهِ يُبْعِدَانِ مِنَ اللَّهِ، وَ يُدْخِلَانِ النَّارَ» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۳: ۲۶۹) و روایات فراوان دیگری در تقبیح و بزرگی بخل آمده است که نه تنها روابط اجتماعی را خدشه‌دار می‌کنند؛ بلکه انسان را از سعادت دور می‌سازند.

۷-۲-۲. تحلیل روان‌شناختی بخل در روابط دوستی

در روان‌شناسی اجتماعی، بخل را می‌توان ذیل مفهوم «رفتار انقباضی»^۱ تحلیل کرد؛

نوعی رفتار تدافعی و خودمحورانه که ریشه در احساس ناامنی، اضطراب نسبت به آینده و ضعف در همدلی دارد (Spinrad et al, 2024, 129-135). دوستی با چنین افرادی، رابطه‌ای یک‌سویه و فرساینده است که در آن سرمایه‌گذاری عاطفی یا در زمانی یک طرفه می‌ماند یا در بلندمدت، این روابط منجر به فرسودگی عاطفی، احساس ناامنی و تردید نسبت به ارزش خود می‌شود.

مطالعات نشان می‌دهند که نوجوانانی که در معرض الگوهای ارتباطی مبتنی بر بخل عاطفی یا مالی قرار دارند، در توسعه رفتارهای نوع‌دوستانه و مهارت‌های همکاری دچار اختلال می‌شوند (Rubin et al, 2006, 615-616).

۷-۲-۳. نقش والدین در پیشگیری از الگوگیری از افراد بخیل

یکی از عوامل مهم در انتخاب دوستان برای نوجوانان، مشاهده‌پذیری رفتار والدین است. اگر والدین در خانواده از کمک به دیگران، همیاری اجتماعی یا ابراز محبت پرهیز کنند، کودک ناخودآگاه می‌آموزد که این مدل رفتاری «ایمن‌تر» و «عقلانی‌تر» است.

در مقابل، والدینی که سبک فرزندپروری مقتدرانه دارند و در آن هم مرزهای روشن رفتاری و هم رفتارهای نوع‌دوستانه عملی وجود دارد، نقش مؤثری در تربیت فرزندی دارند که می‌تواند الگوهای رفتاری مخرب را در دوستان تشخیص دهد و از آنان فاصله بگیرد (Baumrind, 1991, 62).

مثلاً مادری که در یک موقعیت اجتماعی از یاری دیگران امتناع می‌ورزد، یا پدری که از قرض دادن جزئی دریغ می‌ورزد، هرچند گفتاری دینی داشته باشند، در عمل فرزند را به سوی تلقی «خودحفاظتی عاطفی» سوق می‌دهند. مفاهیمی مانند «حفاظت از خود» و «خودحفاظتی عاطفی» در مقابل آسیب‌های روحی و روانی، مطرح می‌شود؛ پژوهش‌ها نشان می‌دهند که تمایل به «خودحفاظتی عاطفی» می‌تواند در صورت افراط، فرد را از روابط سالم اجتماعی محروم کند و منجر به نوعی انزوا و خودمحوری شود (Brown, 2015; Neff, 2015).

۷-۲-۴. راهکارهای تربیتی برای پرهیز از بخل و انتخاب دوست سخاوتمند

والدین می‌توانند از راه‌های زیر فرزندان را نسبت به پیامدهای دوستی با افراد بخیل آگاه کنند: ایجاد الگوی سخاوت در خانه: تقسیم وظایف، کمک به اعضای خانواده، هدیه‌های

کوچک و داوطلبی در امور خیریه، به فرزندان می‌آموزد که مشارکت، اصل زندگی است. تحلیل موقعیت‌های واقعی یا داستانی: بررسی موقعیت‌هایی که بخیل در آن‌ها از یاری دریغ ورزیده، و گفت‌وگو درباره پیامدهای آن.

تحکیم روابط همدلانه: والدین با تقویت مهارت‌های همدلی و گوش دادن فعال، به فرزندان می‌آموزند که گشودگی در روابط انسانی نشانه بلوغ است نه ضعف. آموزش تفاوت صرفه‌جویی و بخل: نوجوان باید یاد بگیرد که عقلانیت مالی با فقدان مهرورزی فرق دارد؛ فرد مقتصد لزماً بخیل نیست.

بنابراین امام علی (ع) در پرهیز از دوستی با بخیل، از مخاطب نمی‌خواهد که تنها افراد پول‌دوست را طرد کند، بلکه از نوعی شخصیت «غایب در لحظه نیاز» پرده برمی‌دارد. این معیار، با تحلیل روان‌شناختی معاصر هم‌خوان است و نشان می‌دهد که دوستی با افراد غیر همدل، تنها رابطه‌ای سرد و بی‌ثمر خواهد بود. تربیت فرزندان در جهت تشخیص و پرهیز از این‌گونه روابط، نیازی ضروری برای زیست اخلاقی، اجتماعی و روانی سالم در دوران نوجوانی است.

۷-۳. معیار سوم: پرهیز از دوستی با فاجر «وَلَا الْفَاجِرَ، فَإِنَّهُ يَبِيعُكَ بِالتَّافِهِ» (سیدرضی، ۱۴۱۴ق، ۴۷۶)

۷-۳-۱. تحلیل مفهومی روایت

در این هشدار از امیرمؤمنان (ع)، فاجر کسی است که ارزش دوستی و وفاداری را در برابر کوچک‌ترین منفعت دنیوی معاوضه می‌کند. عبارت «يَبِيعُكَ بِالتَّافِهِ» به‌خوبی گویای آن است که این شخص حتی در ظاهر دوستی نیز قابل اعتماد نیست؛ زیرا دوستی را نه به‌مثابه عهد اخلاقی، بلکه معامله‌ای سودمحور می‌بیند. واژه «فُجُور» یعنی کسی در گناهان سرکشی کند و به معصیت‌ها و کارهای حرام پردازد (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ۵: ۴۷) در قرآن نیز صفت «فاجر» در مقابل «برّ» آمده و نشان‌دهنده شخصیتی است که نظام ارزشی را زیر پا می‌گذارد (الانفطار: ۱۳-۱۴).

در سطح فردی، فاجر کسی است که بر اساس تمایلات لحظه‌ای و لذت‌های آنی، تصمیم می‌گیرد و عمل می‌کند. او اغلب خودمحور است و منافع شخصی را بر مصالح بلندمدت ترجیح می‌دهد. این نوع شخصیت معمولاً مسیر اخلاقی و انسانی را کنار می‌گذارد و در نتیجه، رفتارهای ممکن است سرشار از خطا، ناپایداری و بی‌ثباتی باشد. فاجر، در این نگاه، فردی است که نمی‌تواند تعهد و وفاداری به اصول و قراردادهای اجتماعی داشته باشد، بلکه بیشتر رفتارهای موقت و نفسانی دارد.

در سطح اجتماعی، فرد فاجر از نظر رفتاری، نماد بی‌ثباتی و ناپایداری است. او در روابط فردی و جمعی، وفاداری و اعتماد برقرار نمی‌کند. روابطش معمولاً کوتاه‌مدت و مبتنی بر مصالح شخصی است، بنابراین اعتماد دیگران نسبت به او کم می‌شود و پیوندهای اجتماعی دچار شکاف می‌گردد. بنابراین، فاجر در جامعه نماد بی‌وفایی، ناپایداری و تزلزل است، وضعیتی که ممکن است باعث بی‌ثباتی ساختارهای خانوادگی، فرهنگی و حتی سیاسی شود.

در مجموع، رفتارهای فاجر علاوه بر تأثیرات فردی منفی، بر اعتبار و سلامت جامعه نیز اثر می‌گذارد. رفتار فاجر نشان‌دهنده ضعف در ارزش‌های اخلاقی، بی‌ثباتی در رفتار و از دست دادن اعتماد دیگران است، و این ویژگی‌ها می‌تواند به استحاله و تزلزل نهادهای اجتماعی و فرهنگی بیانجامد. بنابراین، جایگاه فرد فاجر در امور فردی و اجتماعی، اغلب منفی و منشأ مشکلات و نابسامانی‌های فراوان است. در قرآن، علاوه بر بیان سرنوشت فاجران (الانفطار: ۱۴؛ المطففین: ۷) به خطر تعامل با فاجران اشاره شده است؛ در آیه ۲۸ سوره کهف آمده است: «وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنْ ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا»، و گفته شده مراد از «وَكَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا»، افراط و تجاوز از حدود الهی در اندیشه، سخن و عمل (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ۱۴: ۳۱۵) و انجام کارهای از روی افراط و خارج از رویه (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۱ش، ۱۲: ۴۱۷) است که طبق تحلیل مفهومی با ویژگی‌های فاجر هم‌خوانی دارد.

در روایتی از امام صادق (ع) نیز آمده است: «لَا يَنْبَغِي لِلْمُسْلِمِ أَنْ يُوَاخِيَ الْفَاجِرَ، وَلَا الْأَحْمَقَ، وَلَا الْكَذَّابَ» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۴: ۱۲۴)؛ یعنی فرد مسلمان نباید با فاجر، نادان یا دروغگو دوست و رفیق شود. کلینی در باب «بَابُ مَنْ تُكْرَهُ مُجَالَسَتُهُ وَ مُرَافَقَتُهُ» که مناسبت با موضوع مقاله حاضر نیز دارد همین مضمون روایت را البته به نقل از امیرمؤمنان (ع) این‌گونه بیان می‌کنند: «كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا صَعِدَ الْمَنْبَرَ، قَالَ: يَنْبَغِي لِلْمُسْلِمِ أَنْ يَتَجَنَّبَ مُوَاخَاةَ ثَلَاثَةٍ: الْمَاجِنِ الْفَاجِرِ، وَالْأَحْمَقِ، وَالْكَذَّابِ. فَأَمَّا الْمَاجِنُ الْفَاجِرُ، فَيُزَيِّنُ لَكَ فِعْلَهُ، وَيُحِبُّ أَنَّكَ مِثْلُهُ، وَلَا يُعِينُكَ عَلَى أَمْرِ دِينِكَ وَمَعَادِكَ، وَمُقَارَبَتِهِ جَفَاءً وَقَسْوَةً، وَمَدْخَلُهُ وَمَخْرَجُهُ عَارٌ عَلَيْكَ...» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۴: ۶۹۰)؛ یعنی امیرمؤمنان (ع)، هنگامی که بر منبر می‌رفت، می‌فرمود: «برای مسلمان شایسته نیست که با سه گروه دوست و رفیق شود: فرد فاسق و گناهکار، نادان و جاهل، و دروغگو»؛ اما درباره فرد فاسق و گناهکار، گفته می‌شود که او کارهایش را برای زینت می‌دهد و دوست دارد تو نیز همانند او باشی، و در انجام امور دینی و آخرتی توبه تو

کمک نمی‌کند. رابطه با او، دوری، بی‌تفاوتی و سخت‌گیری است، و طریق و مسیر او بر تو شرم‌آور و ناپسند است. بنابراین در این تحلیل، امام علی (ع) هشدار می‌دهند که فاجر نه تنها رابطه دوستی را به ارزانی می‌فروشد، بلکه کرامت و هویت اخلاقی طرف مقابل را نیز تهدید می‌کند.

۷-۳-۲. تحلیل روان‌شناسی اجتماعی: شخصیت ضداجتماعی و خطرهای آن

از منظر روان‌شناسی اجتماعی، فاجر معادل فردی است که ویژگی‌هایی از اختلال شخصیت ضداجتماعی^۱ یا رفتارهای بزهکارانه دارد. این افراد اغلب، مرزهای اخلاقی را نادیده می‌گیرند، توانایی همدلی ندارند، در روابط بین‌فردی از دروغ، فریب و منفعت‌طلبی استفاده می‌کنند (Rubin et al, 2006, 620-622; Spinrad et al, 2024, 129-135). نوجوانانی که با این نوع افراد معاشرت دارند، در معرض الگوبرداری منفی قرار می‌گیرند؛ مانند تمایل به دروغ‌گویی، زیر پا گذاشتن ارزش‌ها، و پیروی کورکورانه از گروه‌های دارای هنجارهای منحرف (Hartup, 1996, 9-10).

۷-۳-۳. پیوند با نظریه‌های فرزندپروری و نقش والدین

در سبک فرزندپروری مقتدرانه، والدین با ایجاد محیطی توأم با ارزش‌مداری، گفت‌وگوی باز، و حمایت روانی-عاطفی، به فرزندان کمک می‌کنند تا از معاشرت با افراد دارای اختلال رفتاری پرهیز کنند. این سبک برخلاف الگوهای سهل‌گیر یا مستبد، فرزندان را قادر می‌سازد تا به صورت آگاهانه در مورد ویژگی‌های اخلاقی دوستان قضاوت کنند (Baumrind, 1991, 63). در این میان، والدینی که به جای «دستور» دادن، تحلیل اخلاقی و مدیریت هیجانی را آموزش می‌دهند، زمینه‌ای ایجاد می‌کنند تا نوجوان با تکیه بر عقل، نه ترس یا وابستگی، از افراد فاجر فاصله بگیرد.

۷-۳-۴. راهکارهای تربیتی برای والدین و مربیان

برای درونی‌سازی این معیار در ذهن نوجوان، والدین و مربیان می‌توانند از روش‌های زیر بهره‌مند شوند:

تحلیل تجربه‌های واقعی نوجوان: گفت‌وگو درباره تجربه‌هایی که در آن‌ها اعتماد به دوستی بی‌پروای اخلاقی منجر به خیانت، رسوایی یا آسیب شده است.

آموزش هوشیاری اخلاقی: ایجاد حساسیت نسبت به نشانه‌های رفتاری فاجر مانند دروغ‌گویی مکرر، بدزبانی، بی‌احترامی به والدین و معلمان.

ایجاد گفتمان ارزش‌محور در خانواده: تشویق به وفاداری، تعهد، و ایشار در روابط انسانی و بازخوانی سیره اهل بیت (ع) در انتخاب یاران.

برگزاری کارگاه‌های مدرسه‌ای با موضوع «دوستی و وفاداری»: ترکیب دانش دینی و روان‌شناختی برای آموزش معیارهای انتخاب دوست.^۱

بنابراین «فاجر» نماد فردی است که در برابر اندک منفعتی، رابطه‌ای انسانی و اخلاقی را قربانی می‌کند. هشدار امام علی (ع) تنها ناظر به حفظ فرد از خیانت شخصی نیست، بلکه فراخوانی است به صیانت از شخصیت اخلاقی انسان در عصر اباحه‌گرایی عاطفی. در این میان، نقش والدین نه فقط در هشدار دادن، بلکه در پرورش قدرت تمیز اخلاقی در فرزندان حیاتی است؛ فرزند باید بتواند حتی در چهره‌های جذاب اجتماعی، سیمای واقعی فاجر را تشخیص دهد.^۲

۴-۷. معیار چهارم: پرهیز از دوستی با کذاب (دروغ‌گو) «وَلَا الْكَذُوبَ، فَإِنَّهُ كَالْأَسْرَابِ، يُقَرَّبُ عَلَيْكَ الْبَعِيدُ، وَيُبْعَدُ عَلَيْكَ الْقَرِيبُ» (سیدرضی، ۱۴۱۴ق، ۴۷۶)
۴-۷-۱. تحلیل مفهومی و زیبایی‌شناسی روایت

امام علی (ع) با بهره‌گیری از تشبیهی بصری و عمیق، شخصیت دروغ‌گور را به «سراب» تشبیه می‌کنند؛ یعنی فردی که حقیقت را وارونه جلوه می‌دهد و مسیر شناخت و رفتار انسان را از واقعیت دور می‌سازد. دروغ‌گو همانند سراب، فاصله‌ها را وارونه جلوه می‌دهد: آنچه دور است را نزدیک و آنچه نزدیک است را دور. این تصویر، نه فقط خطای گفتاری را می‌نمایاند، بلکه اختلال در ادراک و جهت‌یابی اجتماعی و اخلاقی را نیز بازگو می‌کند.

واژه «کذوب» بر مبالغه در کذب دلالت دارد (جوهری، ۱۴۰۴ق، ۱: ۲۱۱؛ راغب، ۱۴۱۲ق، ۷۰۴)؛ یعنی شخصی که دروغ‌گویی برای او به صورت یک ملکه درآمده و نه فقط در گفتار، بلکه در ساخت واقعیت اطراف، به شدت تحریف‌گر است. در مبانی

۱. برگزاری کارگاه از سوی نگارنده نشان داد، آموزش به والدین و دانش‌افزایی به آن‌ها در خصوص معیارهای انتخاب دوست برای فرزندان تأثیر زیادی دارد. بسیاری از والدین حتی والدین مذهبی در این خصوص آگاهی کافی ندارند.

۲. بانوان زیادی در کارگاه‌های نگارنده به صراحت از آسیب‌های دوستان فرزندان‌شان گزارش می‌دادند. این در حالی بود که در ابتدا اصلاً گمان بد نسبت به دوست فرزند خود نداشته‌اند؛ یکی از وظایف والدین، دوست‌یابی، یا کمک جدی به فرزندان برای دوست‌یابی است.

قرآنی و روایی، دروغ‌گویی از بزرگ‌ترین گناهان زبانی شمرده شده است.^۱ قرآن در سوره زمر می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ» (الزمر: ۳)؛ بنابراین، امام علی (ع) با تشبیه کذاب به سراب، در واقع هشدار می‌دهند که دروغ‌گو نه تنها انسان را گمراه می‌کند، بلکه فضای ذهنی و عاطفی او را نیز آلوده می‌سازد و باعث اختلال در تشخیص حقیقت می‌شود.

۷-۴-۲. تحلیل روان‌شناسی اجتماعی: دروغ‌گو به مثابه تحریف‌گر شناختی

از منظر روان‌شناسی، افراد کذاب معمولاً دارای ویژگی‌های مانند دستکاری در واقعیت برای بهره‌برداری هیجانی یا اجتماعی، تحریف اطلاعات برای حفظ جایگاه یا نفوذ، ضعف در همدلی، و ناتوانی در درک اثرات دروغ بر اعتماد دیگران هستند (Ekman, 2009, 93-95; Rubin et al, 2006, 624-625). از این منظر، معاشرت با فرد دروغ‌گو، موجب تزلزل در ادراک واقعیت اجتماعی، تحلیل‌های نادرست، و تصمیم‌گیری‌های غلط خواهد شد. به‌ویژه در سنین نوجوانی، اعتماد به افراد کذاب، می‌تواند باعث شکل‌گیری سوگیری‌های شناختی و هیجانی شود. مطالعات نشان داده‌اند نوجوانانی که در معرض الگوهای ارتباطی دروغ‌پرداز قرار دارند، خود نیز گرایش به دستکاری واقعیت و دروغ‌گویی برای جلب تأیید پیدا می‌کنند (Hartup, 1996, 11-12).

۷-۴-۳. پیامدهای تربیتی: فروپاشی نظام اعتماد و آسیب به قضاوت اخلاقی

در فضای تربیتی خانواده، اگر کودک در محیطی رشد یابد که در آن دروغ‌گویی عادی یا حتی الگویی برای فرار از مسئولیت باشد، به تدریج در ذهن او دروغ‌گویی به‌عنوان «ابزار موفقیت اجتماعی» شکل می‌گیرد. این وضعیت، نظام اخلاقی فرزند را دچار بحران می‌کند و قدرت تمایز میان حقیقت و فریب را تضعیف می‌نماید. به‌ویژه در تعاملات همسالانه، این مسئله می‌تواند منجر به شکست‌های عاطفی، بی‌اعتمادی عمومی و حتی اضطراب اجتماعی شود (Baumrind, 1991, 64).

بنابراین معیار پرهیز از کذاب، از ابعاد مختلفی حائز اهمیت است:

از بُعد شناختی: زیرا دروغ‌گو اطلاعات نادرست ارائه می‌دهد و قضاوت فرد را مختل می‌کند.

از بُعد هیجانی: زیرا اعتماد را تخریب می‌کند و روابط را تضعیف می‌سازد.

از بُعد تربیتی: زیرا دروغ‌گو، الگوی منفی است که می‌تواند نوجوان را به سمت

فریب‌کاری سوق دهد.

۱. برای آگاهی تفصیلی از مفهوم‌شناسی کذب، و جایگاه آن در تحریف دین (نک: زینی، ۱۳۹۵، ش ۲۱۶-۲۱۷).

۷-۴-۴. راهکارهای تربیتی والدین برای مقابله با کذب و شناخت کذاب

الگودهی شفاف در صداقت: والدینی که حتی در موارد کوچک، حقیقت را بیان می‌کنند و از گفتن به اصطلاح «دروغ مصلحت‌آمیز» جز در موارد مهم مانند نجات جان مظلوم اجتناب دارند، الگویی مؤثر برای فرزندان خواهند بود.

تبیین عواقب اعتماد به دروغ‌گو: والدین با روایت تجربه‌های واقعی (شخصی یا رسانه‌ای) می‌توانند نشان دهند که دروغ چگونه پایه‌های دوستی را فرو می‌ریزد. آموزش مهارت تشخیص صداقت: به نوجوان باید آموخته شود که کذاب معمولاً در کلام خود دچار تضاد، اغراق، یا هیجان‌نمایی افراطی است. تشویق به بازسازی اعتماد از طریق اعتراف و اصلاح: در مواردی که کودک یا نوجوان دروغ می‌گوید، برخورد مبتنی بر آموزش، نه تنبیه، به بازسازی صداقت کمک می‌کند.

۸. معیارسازی به جای مصداق‌گرایی: راهبرد نهج البلاغه در تربیت اجتماعی فرزندان

یکی از ویژگی‌های بارز و راهبردی حکمت ۳۸ نهج البلاغه، تأکید امام علی (ع) بر آموزش معیارهای تشخیص دوستی ناپسند است، نه تعیین مصداق‌های مشخص. در این بیان دقیق تربیتی، حضرت به جای اشاره به اشخاص یا موقعیت‌های خاص، شاخص‌هایی را برای بازشناسی دوستان نامناسب ارائه می‌دهد؛ شاخص‌هایی چون خردگریزی، بخل، فسق و کذب. این رویکرد، نوعی تربیت «ملاک‌محور» را دنبال می‌کند که در آن، فرد قدرت تمیز اخلاقی و اجتماعی را بر اساس الگوهای مفهومی می‌آموزد، نه براساس ممنوعیت‌های موردی.

۸-۱. نقد رویکرد مصداق‌محور در تربیت دینی و اجتماعی

در بسیاری از سبک‌های متداول فرزندپروری، به‌ویژه در بافت‌های فرهنگی سنت‌گرا، والدین سعی می‌کنند با معرفی مصداقی خاص («با فلانی دوست نشو»، «از آن گروه دوری کن»)، مسیر فرزند را در انتخاب دوست یا گروه همسالان مدیریت کنند. این روش، اگرچه در ظاهر بازدارنده است؛ اما در عمل دو پیامد دارد: نخست، وابسته‌سازی اخلاقی فرزند به مرجع بیرونی (والد یا معلم)؛ و دوم، مقاومت پنهان یا آشکار نوجوان در برابر نظارت مستقیم، به‌ویژه در سنین شکل‌گیری هویت فردی و اجتماعی. از همین رو، تربیت مصداقی فاقد اثربخشی پایدار و درونی‌سازی ارزش‌هاست؛ زیرا به جای فعال‌سازی ذهن تحلیلی فرزند، صرفاً رفتار واکنشی را تقویت می‌کند و فرزند در مدار تقلید و یا تحمیل به انتخاب دوست می‌پردازد.

۸-۲. رویکرد امام علی (ع): تربیت ملاک مدار بر پایه تشخیص و خودهدایتی

روش تربیتی امام علی (ع) در این حکمت، یک مدل دقیق از تربیت اخلاقی بر مبنای معیارسازی ذهنی است. آن حضرت با معرفی ویژگی‌هایی مانند حماقت، بخل، کذب و فجور، مخاطب را با بنیان‌هایی آشنا می‌سازد که می‌تواند در ارزیابی هر موقعیت اجتماعی، هر شخص و هر رابطه‌ای به کار روند. این رویکرد را می‌توان نوعی «واکسیناسیون شناختی»^۱ دانست؛ یعنی به جای اجتناب از ویروس‌های شناخته‌شده، فرد توانایی تشخیص الگوهای خطر را می‌یابد. این دقیقاً همان چیزی است که در قرآن کریم نیز به آن اشاره شده است: «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ...» (الزمر: ۹)؛ اهمیت دوست‌یابی در روایات نیز تا بدان جاست که در روایتی از امام صادق (ع) آمده است که: «لَا تَصْحَبُوا أَهْلَ الْبِدْعِ وَلَا تَجَالِسُوهُمْ، فَتَصِيرُوا عِنْدَ النَّاسِ كَوَاحِدٍ مِنْهُمْ؛ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْمَرْءُ عَلَى دِينِ خَلِيلِهِ وَقَرِينِهِ» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۴: ۶۹۵). همچنین به صورت تک‌نگاری نیز شیخ صدوق در مصادقه الاخوان، روایات متعددی در خصوص اهمیت این موضوع و ابعاد آن آورده است (صدوق، ۱۴۰۲ق) که نشان دهنده اهمیت آشنایی با ملاک‌ها و معیارهای دوست است.

۸-۳. تحلیل روان‌شناسی تربیتی: ملاک‌محوری و رشد اخلاقی پایدار

یافته‌های روان‌شناسی رشد و تعلیم و تربیت نشان می‌دهند که شیوه‌های تربیتی مبتنی بر ارائه معیار و تحلیل اخلاقی، اثربخشی طولانی‌مدت‌تری نسبت به شیوه‌های کنترلی دارند. پژوهش‌های سبک فرزندپروری مقتدرانه که در آن والدین ضمن حفظ مرزها، بر آموزش ارزش‌های اخلاقی و استقلال فکری تأکید دارند، موجب رشد مهارت‌های قضاوت اخلاقی، مقاومت در برابر فشار همسالان و درونی‌سازی معیارهای رفتاری می‌شوند (Baumrind, 1991, 66). همچنین، برخی پژوهش‌ها در بستر ارزش‌گرایی نشان می‌دهند که نوجوانان، زمانی که معیارهای اخلاقی را به صورت فعال و در چارچوب گفت‌وگوهای خانوادگی فرا می‌گیرند، در مواجهه با موقعیت‌های اجتماعی متنوع، رفتار آگاهانه‌تری از خود بروز می‌دهند (Knafo & Schwartz, 2003, 51-52). در سبک فرزندپروری مقتدرانه، والدین ضمن تعیین حدود رفتاری روشن، به گفت‌وگو و تبیین معیارهای اخلاقی می‌پردازند، که همین امر موجب درونی‌سازی ارزش‌ها در کودک می‌شود (Wong, 2020, 345).

1. Cognitive Vaccination.

۲. «واکسیناسیون شناختی» روشی است برای تقویت مقاومت روانی و شناختی فرد در مواجهه با چالش‌ها و تأثیرات منفی، به گونه‌ای که فرد قبلاً آموزش‌ها و ویژگی‌های منفی را شناخته و با آگاهی و قضاوت صحیح، در مقابل آن‌ها محافظت می‌شود.

یک مطالعه طولی بر روی نوجوانان مکزیکی ایالات متحده نشان داده، کودکانی که در محیط‌های مبتنی بر فرزندپروری مقتدرانه رشد یافته‌اند، در سنین نوجوانی رفتارهای اجتماعی-یاری‌گرانه^۱ بیشتری از خود نشان می‌دهند و کمتر دچار مشکلات روان‌شناختی، تعارضات خانوادگی و بزهکاری می‌شوند (Carlo et al., 2017, 579). به‌ویژه هنگامی که والدین به جای تنبیه یا کنترل صرف، به تحلیل اخلاقی رفتارها پرداخته و ارزش‌ها را از طریق گفتگو منتقل می‌کنند، فرایند تربیت اخلاقی عمقی‌تر و پایدارتر می‌شود (Baumrind, 1996, 407).

همچنین، در یک فراتحلیل جدید، رابطه‌ی معناداری میان سبک فرزندپروری مقتدرانه و سطح بالاتر خودتنظیمی هیجانی-یعنی توانایی کودک در شناخت، کنترل و هدایت هیجان‌های خود در موقعیت‌های مختلف - و نیز رشد مهارت‌های اجتماعی و افزایش توانمندی شناختی کودکان گزارش شده است (Wilke et al., 2022, 11). این یافته‌ها بر ضرورت توجه به تربیت مشارکتی و مبتنی بر تفکر تأکید می‌کنند و نشان می‌دهند که سبک‌های اقتدارگرایانه یا سهل‌گیرانه، در مقایسه، پیامدهای ضعیف‌تری بر رشد شخصیتی و اخلاقی دارند.

۸-۴. پیامدهای کاربردی در خانواده و مدرسه

این رویکرد تربیتی، قابلیت پیاده‌سازی در هر دو نهاد خانواده و مدرسه را دارد:

در خانواده: به‌جای هشدارهای سلبی به نوجوان درباره دوستان، والدین می‌توانند از طریق گفت‌وگو، داستان‌پردازی، تحلیل موقعیت‌های اجتماعی و حتی خاطره‌گویی، مجموعه‌ای از معیارها را به فرزند منتقل کنند (مثلاً صداقت، وفاداری، همدلی، کنترل هیجان).

در مدرسه: مربیان و مشاوران می‌توانند جلسات کارگاهی با محوریت تحلیل ویژگی‌های شخصیتی دوستان مطلوب و نامطلوب برگزار کنند. این جلسات، از طریق بحث گروهی و تحلیل فیلم یا متن، قدرت قضاوت اجتماعی و درک روابط را در دانش‌آموزان تقویت می‌کند. بنابراین تربیت اخلاقی در اندیشه امام علی (ع)، تربیتی پویا، درونی‌ساز و معیارمحور است. این رویکرد، نوجوان را از یک مخاطب منفعل که نیازمند کنترل مستمر است، به کنشگری اخلاقی بدل می‌سازد که توانایی تشخیص، داوری و انتخاب دارد. در نتیجه، به‌جای آن‌که والدین دائماً در تلاش باشند تا افراد نامناسب را از فرزندشان دور کنند، می‌توانند فرزندپسری پرورش دهند که خود به‌درستی و با قاعده، دوستان شایسته را انتخاب کند و از دوستان فاسد و آسیب‌زاد دوری نماید.

۹. نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر، که با هدف تحلیل تربیتی حکمت نهج البلاغه و تمرکز بر نقش والدین در هدایت فرزندان در انتخاب دوستان انجام شد، به صورت زیر قابل جمع‌بندی است:

۱- مبنای تربیت اجتماعی در سیره علوی، معیارسازی اخلاقی است: امام علی (ع) در این حکمت به جای معرفی افراد یا موقعیت‌های خاص، چهار ویژگی خطرناک در دوست‌گزینی را مطرح می‌کند: احمق، بخیل، فاجر و کذاب. این روش، یک رویکرد فرازمانی و فرافرهنگی در تربیت اجتماعی است.

۲- ویژگی‌های چهارگانه دوستان ناصالح، پیامدهای چندبُعدی دارند: یافته‌ها نشان داد که این ویژگی‌ها تنها آسیب فردی ایجاد نمی‌کنند، بلکه باعث اختلال در ساختارهای شناختی، هیجانی و اجتماعی نوجوانان می‌شوند.

۳- رویکرد علوی با یافته‌های روان‌شناسی اجتماعی سازگار است: مطالعات روان‌شناسی اجتماعی تأیید می‌کند که معاشرت با افراد بزه‌کار، خودمحور، بی‌ثبات یا فریب‌کار، به تضعیف رشد اخلاقی، کاهش خودکنترلی، اختلال در حل مسئله و آسیب در شکل‌گیری هویت سالم منجر می‌شود.

۴- نوآوری تربیتی پژوهش: معیاردهی به جای کنترل مصداقی: بازخوانی تربیتی این حکمت نشان داد که تأکید اصلی بر آموزش «معیارهای تشخیص دوست سالم» به نوجوانان است، نه صرفاً نهی از دوستی با افراد خاص. این رویکرد سبب توانمندسازی شناختی و تقویت قضاوت اخلاقی می‌شود.

۵- نقش والدین: هدایتگر اخلاقی، نه کنترل‌گر اجتماعی: آموزه‌های علوی والدین را به نقش «هدایت‌تدریجی به‌سوی انتخاب‌های اخلاقی» فرامی‌خواند، نه کنترل مستقیم و سلبی روابط اجتماعی فرزندان.

۶- کارآمدی کلان رویکرد معیارمحور: اتخاذ این رویکرد در خانواده و جامعه، زمینه‌ساز پرورش نسلی خودرهب، اخلاق‌محور و مقاوم در برابر فشارهای فرهنگی و رسانه‌ای عصر جدید است.

دسترسی به داده‌ها

داده‌های تولیدشده در این پژوهش در متن مقاله ارائه شده است.

تضاد منافع نویسندگان

نویسندگان این مقاله اعلام می‌دارند که هیچ‌گونه تضاد منافی در رابطه با نویسندگی و یا انتشار این مقاله ندارند.

منابع

- قرآن کریم.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، تحقیق: جمال الدین میردامادی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
- برقی، احمد بن محمد، المحاسن، تحقیق: جلال الدین محدث، قم، دارالکتب الإسلامية، ۱۳۷۱ش.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، تاج اللغة و صحاح العربیة، تحقیق: احمد عبدالغفور عطار، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۴۰۴ق.
- حسینی، افضل السادات؛ حیدری، سمیرا، تربیت اخلاقی کودک و نوجوان با تأکید بر رویکرد اسلامی، تهران، سمت، ۱۴۰۰ش.
- حسینی، بی‌بی‌زینب، علیه رضاداد، و سیدسجاد غلامی. "نقل به معنای احادیث فقهی مشترک با استفاده از داستان‌های کوتاه". مطالعات فهم حدیث ۹، ۱۷ (۱۴۰۱ش): ۲۵۹-۲۸۱. doi: 10.30479/MFH.2022.2833
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، تحقیق: صفوان عدنان داوودی، بیروت، دارالقلم، ۱۴۱۲ق.
- زینی ملک‌آباد، هادی، نهله غروی نائینی، نصرت نیل‌ساز، و کاووس روحی‌پرنندق. "بازپژوهشی اصطلاح حدیث موضوع با تأکید بر تحلیل مفهومی و فرایندی حدیث «من کذب»". حدیث پژوهی ۸، ۱۶ (۱۳۹۵ش): ۱۹۱-۲۱۶.
- سیدرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، تحقیق: صبحی صالح، قم، هجرت، ۱۴۱۴ق.
- صاحب‌بن‌عباد، اسماعیل بن عباد، المحيط فی اللغة، تحقیق: محمدحسن آل‌یاسین، بیروت، عالم الکتاب، ۱۴۱۴ق.
- صدوق، محمد بن علی، مصادقة الإخوان، تحقیق: سیدعلی خراسانی کاظمی، الکاظمیة، مكتبة الإمام صاحب‌الزمان العامة، ۱۴۰۲ق.
- طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، تحقیق: احمد حسینی اشکوری، تهران، مرتضوی، ۱۳۷۵ش.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، قم، هجرت، ۱۴۰۹ق.
- فضل‌الله، محمدحسین، من وحی القرآن، بیروت، دارالملاک، ۱۴۱۹ق.
- قادر، فاطمه، پایان‌نامه تحلیل تربیتی آیه «اقوا انفسکم و اهلیکم نارا»، استاد راهنما: هادی زینی ملک‌آباد، دانشگاه سیستان و بلوچستان، ۱۴۰۴ش.
- قصور درگاهی، رخساره، طاهره جاویدی کلاته جعفرآبادی، بختیار شعبانی ورکی، و مجتبی الهی خراسانی. "گونه‌شناسی گزاره‌های تربیتی در احادیث". مطالعات فهم حدیث ۱۰، ۱۹ (۱۴۰۲ش): ۲۵۳-۲۷۶. doi: 10.30479/mfh.2023.18331.2217
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، قم، دارالحدیث، ۱۴۲۹ق.
- مطهری، مرتضی، آینده انقلاب اسلامی ایران، تهران، صدرا، ۱۳۷۸ش.
- مکارم‌شیرازی، ناصر و جمعی از فضلا و دانشمندان، پیام امام امیرالمومنین (ع)، قم، امام علی بن ابی‌طالب (ع)، ۱۳۹۰ش.
- مکارم‌شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الإسلامية، ۱۳۷۱ش.
- وحیدی، آزاده. "تاثیر نوع دوست بر روان و رفتار افراد". نهمین همایش ملی تحقیقات میان رشته‌ای در مدیریت و علوم پزشکی، ۱۴۰۳ش، صص ۴۷-۵۴.

- Baumrind, D. "The Discipline Controversy Revisited. Family Relations: An Interdisciplinary". *Journal of Applied Family Studies*, 1996, 45(4): 405-414.
- Baumrind, D. "The influence of parenting style on adolescent competence and substance use". *The Journal of Early Adolescence*, 1991, 11(1): 56-95.
- Baumrind, Diana. "Effects of Authoritative Parental Control on Child Behavior". *Journal of Child Development*, 1966, 37(4): 887-907.
- Brown, B. *Daring Greatly: How the Courage to Be Vulnerable Transforms the Way We Live, Love, Parent, and Lead*. Avery, 2015.
- Carlo, G., White, R. M. B., & Knight, G. P., "Longitudinal relations among parenting styles, prosocial behaviors, and academic outcomes in U.S. Mexican adolescents". *Child Development*, 2017, 89(2): 577-592.
- Ekman, P. *Telling Lies: Clues to Deceit in the Marketplace, Politics, and Marriage* (3rd ed.), New York: Norton, 2009.
- Frankel, F., & Myatt, R. *Children's friendship training*. New York: Routledge, 2003.
- Giletta, M., ., et al. "A meta-analysis of longitudinal peer influence effects in childhood and adolescence". *Psychological Bulletin*, 2021, 147(7), 719-747.
- Hartup, W. W. "The company they keep: Friendships and their developmental significance". *Child Development*, 1996, 67(1): 1-13.
- Neff, K. *Self-compassion: The proven power of being kind to yourself*. William Morrow Paperbacks, 2015.
- Rubin, K. H., Bukowski, W. M., & Parker, J. G. "Peer interactions, relationships, and groups", *Handbook of Child Psychology*, (6th ed., Vol. 3, pp. 571-645). New York: Wiley, 2006.
- Spinrad, T. L., & Eisenberg, N. "The socialization of emotion regulation. In J. J. Gross & B. Q. Ford (Eds.)", *Handbook of emotion regulation*, (3rd ed., pp. 129-135). The Guilford Press, 2024.
- Wilke, J., et al., "A systematic review and meta-analysis of associations between self-regulation and morality in preschool and elementary school children", *Current Psychology*, 2022, 42(5): 1-33.
- Wong, T. K. Y., "Parenting and prosocial behaviors: A meta-analysis", *Social Development*, 2020, 30(2), 343-373.